

تأثیر مذهب تشیع بر هویت زن ایرانی

رضا رمضان نرگسی^۱

چکیده

در این مقاله، تلاش شده است تا تأثیر مکتب تشیع بر زنان ایران به اختصار توضیح داده شود. بدین منظور، ابتدا به اجمال وضع زنان ایران پیش از رسمیت دین تشیع تصویر گردیده و سپس تأثیرات مکتب تشیع بر زنان ایران به اختصار مورد بررسی قرار گرفته اند و سعی شده است تا نقش مجالس روضه خوانی در شکل‌گیری شخصیت و هویت زنان معاصر مورد بررسی قرار گیرد. برای این کار، ابتدا کارکردهای مجالس روضه برشمرده شده و سپس با استفاده از آن، مشارکت سیاسی زنان، مثل شرکت در جنبش‌ها و شورش‌های اجتماعی در عصر قاجار تا امروز مورد تحلیل قرار گرفته اند.

مقدمه

در شکل‌دهی هویت زن ایرانی، عوامل متفاوتی دخالت داشته‌اند که از این جمله، می‌توان به عوامل طبیعی (محیط جغرافیایی) و عوامل فرهنگی و اجتماعی مثل احکام، عقاید و باورها و آموزه‌های دینی، و آداب و رسوم قبیله‌ای اشاره کرد. کتاب‌های متعدد به توضیح و شرح بسیاری از عوامل فوق‌پرداخته‌اند. در مراجعه به کتاب‌های مربوطه، اثری که اختصاصاً به بررسی نقش آموزه‌های شیعی در زنان ایرانی پرداخته باشد یافت نشد و حتی مقاله‌ای تحت این عنوان به دست نیامد.

در این مقاله، تلاش شده است تا نقش مکتب تشیع بر زنان ایرانی در حدّ مقدور و به اختصار شرح داده شود. برای این منظور، ابتدا به طور فشرده وضع ایران و زنان ایران قبل از رسمیت یافتن دین تشیع به تصویر کشیده شده و سپس تغییراتی که در نتیجه رسمیت یافتن دین تشیع در ایران و در وضعیت زنان ایرانی روی داده، به اختصار مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اما به دلیل آنکه یکی از شاخصه‌های اختصاصی مکتب تشیع برگزاری مراسم عزاداری بر ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و مجالس روضه خوانی می‌باشد، در این مقاله سعی شده است با تأکید بر نقش مجالس روضه خوانی در شکل‌گیری شخصیت و هویت بخشی به زنان معاصر، بدان پرداخته شود.

دورنمایی از وضعیت زنان ایران پس از اسلام تا پیش از عصر صفویه هرچند سرتاسر ایران تا سال 89 هجری به تصرف مسلمانان درآمد، ولی تا قبول اسلام از طرف

همه ایرانیان سالیان زیادی به طول انجامید؛ زیرا پرداخت جزیه، آزادی اعمال دینی ساکنان زرتشتی، مسیحی و یهودی ایران زمین را تضمین می کرد.^۱ بنابراین، دین اسلام به تدریج، زرتشتیگری را طرد کرد. بخصوص در زمان خلفای اموی (41-132 ق) اسلام به کندی در ایران رواج یافت و حتی در قرن چهارم هجری هنوز عده کثیری زرتشتی در ایران می زیستند.^۲ بنابراین، ایرانیان مسلمان، مسلمین صدر اسلام را درک نکردند، بلکه اسلامی که به ایرانیان عرضه شد اسلام اموی - عباسی بود.

از دوره بنی امیه نیز بزم آرای و باده پیمایی رواج گرفت. مخنثان، که رابط بین مردان و زنان بودند، در شهرها فزونی یافتند. غزل سرایی و اظهار عشق بسیار شد، در حالی که در صدر اسلام، که هنوز اعراب از باده تنعم و پیروزی سرمست نشده بودند، حتی در کعبه زن و مرد با هم ادای حج می کردند و در انجام آن کار عیبی نمی دیدند، اما همین که زندگی تجملی میان عرب ها معمول شد و مردان کنیز و کلفت های فراوان به خانه آوردند، در حقیقت به حیثیت و مقام زن در جامعه لطمه ای جبران ناپذیر وارد آوردند و عملاً فساد و خیانت را رواج دادند. جرجی زیدان نیز تغییر موقعیت اجتماعی زنان را در آن روزگار معلول کاهش عفت و غیرت و زیاد شدن کنیزان و غلامان و باده پیمایی ها و عیاشی ها و هرزگی مفرط بعضی از خلفا دانسته است.^۳ بزرگان و فرمانروایانی مانند ابن طولون تصویر محبوبه های خویش را بر دیوار سالن های پذیرایی ترسیم می نمودند. البته فرمانروایان خردمند در ابتدا با این جریان مخالف بودند و تا می توانستند ممانعت می کردند، اما همین که از مقاومت عاجز ماندند، مالیاتی بر اعمال منافی عفت وضع کردند و آن را مانند کسب های دیگر آزاد گذاردند.^۴

اما در این وضع، موقعیت زنان در همه جا یکسان نبود. آنان که از ثروت بهره ای داشتند، مرفه ولی در کنج خانه ها محبوس بودند، و آنان که در فقر مالی بودند، برای کمک به درآمد زندگی، همدوش مردان تلاش می کردند. در هر دو حال، زن چندان فعالیت اجتماعی و سیاسی نداشت و بیشتر به کارهای منزل و نگه داری فرزندان می پرداخت.^۵ هرچند زنان دانشمندی را که به علم و دانش و قدرت و شجاعت شهرتی داشتند، نمی توان نادیده گرفت، اما این امر عمومیت نداشت.

در دوران چند صد ساله ظهور اسلام تا عصر صفوی، اقوام و سلسله های متفاوتی، اعم از فارس و ترک و مغول بر ایران حکومت کردند، اما يك اصل در همه این ها مشترك بود و آن اینکه کلیه اقوام و قبایل خارجی، که در طول تاریخ ایران پس از اسلام به این سرزمین حمله ور شدند و زمام امور سیاسی را در دست گرفتند، به تدریج آداب و سنن قومی خود را از کف داده، به مختصات فرهنگ و تمدن ایران مأنوس شدند؛ چنان که - فی المثل - مقام و موقعیت زنان سلجوقی با تکامل زندگی بادیه نشینی به شهرنشینی تغییر یافت. زنان این قوم، طبق نوشته های مورخان، در دوران زندگی بادیه نشینی چادر نداشتند و هنگام بروز جنگ، مانند مردان به یاری

پدران یا شوهرانشان با دشمن می جنگیدند. ولی پس از آنکه ترکان سلجوقی بر مسلمانان ایران فائق آمدند، خواه ناخواه تحت تأثیر فرهنگ و تمدن کشور اسلامی ایران قرار گرفتند و دیری نگذشت که تحت تأثیر محیط جدید و با قبول مذهب اسلام، سنن و عادات دیرین خود را فراموش کردند^(۱) و این از غنای فرهنگی ایرانیان و ضعف فرهنگی اقوام مهاجر بود، بخصوص که پس از ورود اسلام به ایران، فرهنگ ایرانی از غنای بیشتری برخوردار شده بود.

ویژگی مشترك جامعه ایرانی در ادوار گوناگون
ویژگی عمومی جامعه ایرانی در قبل و بعد از صفویه این گونه بود که شیوه زندگی مردم و مؤمنان از يك سو، تابع شرایط طبیعی (جغرافیایی) محیط و از سوی دیگر، عرف و عادات و آداب و رسومی بود که به شدت از احکام شکل می گرفت و علم فقه نقشی کاملاً اجتماعی بر عهده داشت. بنابراین، دین چگونگی رابطه میان ساختار فرهنگی، اجتماعی و حتی ساختار سیاسی را معین می کرد،^(۲) به گونه ای که حتی آداب و رسوم قبیله ای اقوام مهاجم، مهاجر و اقوام بومی ایران تغییر کرد و رنگ و بوی اسلامی به خود گرفت؛ رسومی که بعضاً سابقه تاریخی آن ها به چند هزار سال نیز می رسیدند. به خاطر همین اصل، می بینیم وضع پوشش زنان، مراسم ازدواج و مواردی مانند آن در بیشتر نقاط ایران با وجود اختلاف زبان و قومیت، تقریباً شبیه به هم می باشند.

تغییرات فرهنگی پس از عصر صفویه در جامعه زنان
برای بررسی تغییرات عمده فرهنگی، که پس از صفویه در جامعه زنان کشور روی دادند، لازم است ابتدا نحوه رواج تشیع و مؤلفه های آن را به اختصار بررسی کنیم و سپس تأثیر بعضی از عناصر فرهنگ تشیع در فرهنگ عمومی زنان را شرح دهیم.

روی کار آمدن صفویان صرفاً يك دگرگونی سیاسی یا تعویض قدرت سیاسی خاندان حاکم بر ایران نبود. از دیدگاه تاریخ سیاسی ایران، دست کم در ایران پس از اسلام، معمولاً در جابه جایی قدرت از فردی به فرد دیگر و حتی از خاندانی به خاندان دیگر، در ساختار مذهبی، فرهنگی و دیوانی تغییری روی نمی داد؛ زیرا حکام بعدی ادعای فرهنگی ویژه نداشتند، بلکه هدف آن ها فقط کسب قدرت سیاسی بود.^(۳) اما با روی کار آمدن صفویه، همه بنیان های فرهنگی کشور دچار تغییر شدند؛ زیرا پیش از هر چیز، دعوای فرهنگی خاص سلسله صفویه را از سلسله های پیشین جدا می کردند.

با به دست گرفتن قدرت توسط شاه اسماعیل اول و اعلان رسمیت مذهب تشیع به عنوان آیین ملی کشور، به یکباره مکتب تشیع دین رسمی کشور شد. اما تا ریشه دواندن این فرهنگ در

عمق جان مردم ایران و آشنایی آنان با آموزه های شیعه گری، مدت زمانی به طول انجامید؛ زیرا هنگامی که مذهب اثنا عشری به عنوان مذهب رسمی کشور اعلام گردید «صفویان با این مشکل روبه رو شدند که مردم از احکام تشیع اثنا عشری و از مسائل مذهب حق جعفری و قواعد ائمه اثنا عشری آگاهی نداشتند...؛ زیرا از کتب فقه امامیه چیزی در میان نبود.»^۱ برای ترویج این مذهب با مسئله کمبود یا فقدان علما و کتب دینی مواجه شدند. بنابراین، تلاش کردند تا «دانشمندان عرب شیعه را از هر جایی که امکان داشت به ایران آورند. این علما بیشتر از دو ناحیه به ایران می آمدند: یکی بحرین و دیگری جبل عامل در سوریه.»^۲ با ورود علما به ایران، تبلیغات برای پیشرفت مذهب تشیع نیز گسترش یافتند و به تبع آن، عناصر فرهنگ تشیع نیز گسترش پیدا کردند، که این موضوع از جهات گوناگون شایسته بحث و بررسی می باشد.

یکی از این عناصر فرهنگی خاص، که تأثیر شگرفی بر فرهنگ عمومی زنان ایران گذاشت، به طوری که در شناخت هویت زن ایرانی معاصر، این عنصر را همواره باید مد نظر قرار داد، مسئله «برپایی مجالس روزه خوانی در ایام محرم، صفر و ماه رمضان» است.

هرچند سوگواری بر امام حسین (علیه السلام) از مدت ها قبل — از زمان ائمه اطهار (علیهم السلام) — کم و بیش به صورت پنهانی و نیمه پنهانی وجود داشتند و در زمان سلاطین آل بویه (در سال 334 ق / 963 م) نیز وسعت یافتند و از دایره تنگ نوحه سرایی در خانه ها و مجالس خصوصی به بازارها و به صورت حرکت در خیابان ها و کشاندن مردم به سینه زنی مبدل گردیدند،^۱ اما هیچ گاه تا پیش از روی کار آمدن صفویه به صورت يك نهاد اجتماعی قدرتمند درنیامدند، به طوری که با رفتن سلسله آل بویه این سنت نیز رو به اضمحلال نهاد و با روی کار آمدن سلجوقیان بکلی پایان یافت.^۲ بنابراین، با تغییر سیاست های محلی، که در مناطق گوناگون ایران حکومت را به دست می گرفتند، تغییرات و دگرگونی هایی از نظر قوت و ضعف در مسئله اقامه عزاداری بر امام حسین (علیه السلام) روی می داد.^۳ اما با روی کار آمدن صفویه و تشکیل يك دولت مرکزی مقتدر، اهتمام و کوششی که در برگزاری عزای حسینی در داخل و خارج خانه ها، در مساجد، تکیه ها، معابر و بازارها داشتند،^۴ موجب شد تا عزاداری امام حسین (علیه السلام) به صورت يك نهاد اجتماعی^۵ درآید؛ به این معنا که پس از اضمحلال سلسله صفویه نه تنها این سنت از بین نرفت، بلکه روز به روز بارورتر و تنومندتر گردید و اگر در روز اول کارکردی جز احیای عزاداری و سوگواری نداشت، به مرور ایام، کارکردهای دیگری به آن اضافه شدند.

تأثیر مجالس روزه خوانی بر زن ایرانی

الف. کارکردهای مجالس روزه

شرکت در مجالس روزه خوانی، کارکردهای بسیاری داشته که بعضی از کارکردهای مهم این مجالس عبارتند از:

1. الگوسازی و سرمشق‌گیری: باید توجه داشت که هرگاه کسی برای افرادی به عنوان افراد خاص ارزش می‌نهد و رفتار آن‌ها را سرمشق قرار می‌دهد، در حقیقت نقش آن‌ها برای او الگوست. بنابراین، وقتی فرد نقش معیّتی ایفا می‌کند، رفتار خود را با توجه به نقشی که برایش الگوست، برمی‌گزیند. نقش‌های نمونه (الگو) در فرایند آموزش بسیار کمک می‌کنند؛ زیرا فرد را با الگوهای رفتاری پذیرفته در موقعیت‌های گوناگون آشنا می‌سازند.^{۱)}

از جمله کارکردهای مهم این مجالس، «الگوسازی» و «سرمشق‌گیری» از زندگی ائمه اطهار (علیهم السلام) و بزرگان مذهب تشیع، بخصوص حضرت زهرا و حضرت زینب (علیها السلام) می‌باشند؛ زیرا به خاطر اشتراك در جنسیت (زن بودن)، رفتار، افعال و کنش‌های آن‌ها را سرمشق خود قرار می‌دهند و با توجه به نقش‌هایی که آن بزرگواران در موقعیت‌های گوناگون ایفا می‌نمودند، اینان نیز سعی می‌کنند مثل آن‌ها باشند. بنابراین، افعال و رفتار حضرت فاطمه (علیها السلام) الگویی برای رفتار و اعمال زنان ایرانی است.

در حدیث مشهوری از حضرت زهرا (علیها السلام) نقل شده است که آن حضرت فرمود: «بهترین چیز برای زن آن است که او مرد نامحرمی را نبیند و مرد نامحرمی هم او را نبیند.»^{۲)} یا وقتی پیامبر (صلی الله علیه وآله) در تقسیم کارهای منزل بین حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام)، کارهای داخل خانه را به حضرت فاطمه (علیها السلام) و کارهای خارج منزل را به حضرت علی (علیه السلام) سپرد، حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: هیچ چیز در دنیا به اندازه این تقسیم کار مرا خوشحال نکرد؛ چرا که رسول الله (صلی الله علیه وآله) با این عمل، مرا از مرادوده با نامحرمان معاف داشت.^{۳)}

اما از سوی دیگر، در تاریخ آمده است که حضرت زهرا (علیها السلام) برای دفاع از حق خود (فدك) و دفاع از امام علی (علیه السلام) به میان مردان نامحرم آمد^{۴)} - البته با حفظ کامل حجاب

و آن سخنرانی مشهور خود را در محاجّه با ابوبکر عنوان کرد، به گونه‌ای که ابوبکر مجبور شد قبالة فدك را به او برگرداند - هر چند توسط عمر بازپس گرفته شد. و یا در مورد حضرت زینب (علیها السلام) آمده است: برای اینکه نامحرمی او را نبیند، شبانه به زیارت قبر جدّش رسول الله (صلی الله علیه وآله) می‌رفت. اما همین زینب (علیها السلام) وقتی اسلام در خطر می‌افتد، به همراه برادر به میدان جنگ (کربلا) می‌رود و وقتی برادر امام به او اعتراض می‌کند که چرا اهل حرم را به چنین مهلکه‌ای می‌بری، امام حسین (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاهُنَّ سَبَايَا.»^{۵)} و زینب آن‌گونه در بازار کوفه آتشین سخنرانی کرد، یا در شام و مجلس یزید آن‌گونه در میان نامحرمان به سخنرانی برخاست و از اسلام و امام خود دفاع نمود.^{۶)}

شبیّه همین رفتار و اعمال را ما در زنان ایرانی به وفور مشاهده می‌کنیم، بخصوص در

زمان قاجاریه؛ یعنی درست زمانی که جامعه ایرانی به شدت سنتی بود و زنان ایران در آن عصر نامحرم گریز و خانه نشین بودند، به گونه ای که اگر مجبور به خروج از خانه بودند طوری بیرون می آمدند که حتی صورت و انگشتان دست و پای آن ها را کسی نبیند. اما در عین حال، وقتی خبر تبعید آیه الله میرزای آشتیانی (در ماجرای انحصار تنباکو و حکم میرزای شیرازی) در تهران پخش شد، سراسیمه به خیابان ها ریختند و شروع به تظاهرات کردند. در زمان کنونی هم بخصوص اوایل انقلاب، زنان محجبه و حتی سنتی به خیابان ها ریختند و با رعایت حجاب اسلامی، سعی نمودند همانند فاطمه زهرا (علیها السلام) از امام (مرجعیت) و اسلام دفاع نمایند. زنان در زمان میرزای شیرازی با آنکه قریب به اتفاقشان از نعمت سواد بی بهره بودند، اما در عمل همان کاری کردند که زنان نسبتاً باسواد در سال های 1357 و سال های بعد در پیروزی و حفظ انقلاب اسلامی انجام دادند. (در ادامه، به این بحث پرداخته خواهد شد.)

2. ایفای نقش در جامعه و مشارکت سیاسی: دومین کارکرد مجالس روضه خوانی در قرن گذشته، مسئولیت پذیری و به دنبال آن، ایفای نقش در جامعه و مشارکت سیاسی بوده است. پیش از توضیح و شرح این کارکرد، لازم است ابتدا تعریفی اجمالی از «مشارکت سیاسی» ارائه شود: *میل برات* «مشارکت سیاسی» را چنین تعریف می کند: «مشارکت سیاسی رفتاری است که اثر گذارد و یا قصد تأثیرگذاری بر نتایج حکومتی را دارد.»⁽¹⁾

ساموئل هانتینگتون (و *جان نلسون*)⁽²⁾ «مشارکت سیاسی» را چنین تعریف می کنند: «مشارکت سیاسی کوشش های شهروندان غیردولتی برای تأثیر بر سیاست های عمومی است.»⁽³⁾ بحث مفصل درباره مشارکت سیاسی زنان در تاریخ معاصر از حوصله این مقاله بیرون است. تنها به توضیحی کوتاه در این باره اکتفا می شود:

یکی از آموزه های علمای شیعه در منابع و روضه خوانی ها این بوده که حکومت حق ائمه معصوم (علیهم السلام) و در زمان غیبت، حق فقهای طراز اول یا مرجع تقلید شیعیان است. به همین دلیل، مشاهده می کنیم که در طول دوره قاجار و پیش از آن مردم برای قضاوت و سایر مسائل حقوقی خود، مانند ثبت اموال و معاملات و صدور قبالة فروش و خرید به علما مراجعه می کردند و با آنکه دولت با گشایش دادگاه عرف، سعی در تعطیلی دادگاه شرع داشت، ولی موفق نمی شد. در حقیقت، حکومتی غیررسمی در داخل حکومت رسمی ایجاد شده بود.⁽⁴⁾ برای نمونه، می توان از سید محمدباقر شفتی و ملا قربانعلی زنجانی و آقا نجفی اصفهانی نام برد. بنابراین، دستورات و فتاوا و حتی توصیه های اجتماعی فقها واجب الاطاعه بودند و وظایف دینی تنها محدود به مسائل فردی — عبادی نمی شدند. بدین روی، زنان نیز به عنوان مسلمانانی که وظایفی دارند، موظف بودند از دستورات اجتماعی مراجع اطاعت کنند. با توجه به اینکه در امور واجب، اذن شوهر و پدر و برادر لازم نیست، بلکه حتی با مخالفت آنان نیز باید واجب را انجام داد — مثل

رفتن به حج واجب - ملاحظه می شود که در راهپیمایی هایی که به دعوت حضرت امام (رحمه الله) یا مقام معظم رهبری برگزار می شدند، حضور زنان همانند مردان و بعضاً بیشتر از مردان بوده است؛ همین سان رفتن به پای صندوق های رأی و در سایر عرصه های سیاست.

از سوی دیگر، اسلام برای زن استقلال مالی قایل شده است و زن در اموال خود بدون اذن شوهر می تواند تصمیم بگیرد. به همین دلیل است که مشاهده می شود در نهضت مشروطه، زنان وسایل تزئینی خود را برای مقابله با تهدید روس به مجلس هدیه کردند،^(۱) در هنگام جنگ ایران و عراق نیز زنان وسایل شخصی خود را هدیه می دادند.

بنابراین، یکی از کارکردهای مجالس روضه را می توان مشارکت سیاسی زنان برای تأثیر در سیاست های حکومت دانست؛ چرا که در مجالس روضه هیجان مذهبی زنان تحریک می شود؛ مثل تلاش زنان در دوره قاجار، بخصوص در نهضت تنباکو و مقابله با تبعید مرجع تقلید خود (میرزای آشتیانی) و در دوره های بعد، تلاش آنان در بازگرداندن علما از مهاجرت (برای دایر کردن عدالت خانه).

3. تقویت انسجام اجتماعی و ارائه گروه های مرجع مناسب: یکی دیگر از کارکردهای مهم مجالس روضه، تقویت انسجام گروهی است. هر جامعه برای آنکه بتواند در قالب فرهنگ معینی زندگی کند و ارتباط متقابل و موفقیت آمیزی داشته باشد، گونه های شخصیتی خاصی را که با فرهنگش هماهنگی دارند پرورش می دهد.^(۱)

ایفای نقش هر فرد در مقایسه او با کسانی که وظیفه ای مشابه او دارند، ارزیابی می شود. فرد با این مقایسه، می تواند مشخص کند که آیا نقش خود را به درستی ایفا کرده است یا خیر. بنابراین، گروه های مرجع یکی از معیارها و الگوها هستند که هر کس هنگام ارزیابی نقش خود، در يك موقعیت معین از آن ها استفاده می کند.^(۱)

گروه های مرجع در شکل دادن به افعال و رفتار انسان ها بسیار مؤثرند و وقتی فردی خود را عضو گروهی دانست نوعی احساس همانندی با دیگران به او دست می دهد. پس می توان گفت: در این اجتماعات، وجدان جمعی به بهترین وجه شکل می گیرد و احساسات افراد مشترک می شوند.^(۱)

مسئله اصلی این است که هر کس به ناچار بر اساس جایگاهی که در اجتماع دارد، گروه مرجعی برای خود انتخاب می کند. وقتی نقش این مجالس مهم جلوه می کند که گروه مرجع مناسبی، اعم از مندیتان و مؤمنان، که در رأس آن ها حضرت زهرا و حضرت زینب (علیهما السلام) قرار دارند، به زنان معرفی می شوند.

4. کارکرد تعلیمی: کارکرد تعلیمی مجالس روضه حایز اهمیت ویژه ای می باشد. در ابتدای امر، کارکرد تعلیمی مجالس محرم و صفر چندان وسیع نبود؛ یعنی نوحه سرایان، شاعران و

مدیحه گران معمولاً به اطلاع رسانی در مورد حادثه کربلا و حداکثر حوادث کوفه و شام و مدینه اکتفا می کردند و تلاش در زنده کردن و زنده نگه داشتن اصل مراسم عزاداری محرم و صفر بود؛ چنان که از سال 334 ق در روز عاشورا زن ها از خانه ها بیرون می آمدند، سیلی به صورتشان می زدند و بر امام حسین (علیه السلام) نوحه سرایی می کردند. این عادت هر سال در روز عاشورا (تا اواسط قرن ششم) استمرار داشت.^(۱) اعلان سیاه پوشی در دهه اول محرم الحرام مهم ترین رسمی بود که معزالدوله بویه اول آن را بنا نهاد و از آن پس عادت مشهور شیعه شد.^(۲) همچنین زنان شب ها و مردان روزها با سر و پای برهنه برای عزاداری بیرون می آمدند و با تعزیت به همدیگر، تحیت و سلام می گفتند و برای حادثه غم بار کربلا محزون می شدند.^(۳)

اما در عصر قاجار، بخصوص اواخر، تا عصر حاضر تغییرات عمده ای در مجالس روضه ایجاد شدند. یکی از آن تغییرات اطلاع رسانی و تبلیغ عمومی دین، اعم از احکام و فقه، کلام و سایر معارف دینی در مجالس روضه است. یکی از علل این امر می تواند این باشد که در یکی دو قرن اخیر، مداحان و شاعران از روضه خوان ها و (وعاظ) تمایز یافته اند؛ یعنی اگر در قرون اولیه، دعلی هم شاعر بود، هم خواننده شعر و هم مصیبت خوان، امروزه این وظایف تقسیم شده و هر کدام کار معینی انجام می دهند. از این رو، وعاظ فرصت بیشتری دارند تا معارف دینی را به مردم بیاموزند و مداحی و نوحه سرایی را به مداحان و نوحه سرایان واگذار کنند. همچنین به موازات پیشرفت های جهانی دو قرن اخیر، انتظارات مستمعان نیز بیشتر شده و وعاظ هم مایلند تا از این فرصت در تبلیغ دین به بهترین وجه استفاده کنند.

بنابراین، می بینیم که در مجالس وعظ، بعضاً مطالبی عنوان می شدند که اصلاً ربطی به حادثه کربلا نداشتند و چه بسا مسائل روز در مجالس وعظ طرح و عنوان می گردیدند. برای نمونه، می توانید به روزنامه الجمال، که متن سخنرانی های سیدجمال الدین واعظ اصفهانی را در سال های 1323 و 1324 ق در تهران چاپ می کرد، مراجعه کنید. امروزه بخصوص بسیاری از سخنرانان به مسائل سیاسی می پردازند.

5. کارکرد رسانه ای: «با توجه به گسترش وسیع مجالس روضه خوانی در زمان های گذشته و فقدان رسانه های جمعی امروز و همچنین بی سوادی اکثریت قریب به اتفاق مردم، می توان منبر و مجالس روضه را یک وسیله بسیار مهم اطلاع رسانی و از جمله رسانه ای برای ارتباطات اجتماعی در آن زمان دانست. اصغر فتحی در کتاب منبر به عنوان یک رسانه عمومی در اسلام، می نویسد: «از مشاهدات ما چنین برمی آید که منبر در جامعه اسلامی میانه، یک نظام تشکیلاتی یافته ارتباطی بود.»^(۴)

وی در ادامه، ویژگی هایی چند برای این نظام ارتباطی برمی شمارد که به طور خلاصه عبارتند از: «ارتباط حضوری، غیرتصنعی و عمیق با مخاطب؛ انتقال آگاهی؛ قابلیت استفاده و

تأثیرگذاری بر مخاطبان گوناگون، اعم از باسواد و بی‌سواد؛ غیررسمی، غیرسازمانی و غیرتشکیلاتی بودن مسجد و در نتیجه، مردمی و عمومی بودن آن، که امکان حضور و مشارکت همگان را به طور مساوی فراهم می‌سازد؛ سهل الوصول بودن و دست‌رسی سریع و راحت به آن با توجه به وجود شبکه‌ای از ده‌ها هزار مسجد که در هر کوی و برزن و در شهر و روستا پراکنده‌اند؛ عدم امکان مخالفت و مقابله با آن از سوی حکام و صاحبان قدرت به دلایل از دست دادن مشروعیت خود؛ قایل بودن نوعی قداست؛ صحت در پیام‌رسانی و قابلیت اعتماد به آن؛ و ... مواردی از این قبیل.^(۱)

بر این اساس، می‌توان گفت: منبر يك نوع نظام ارتباطی بوده است و در اعصار گذشته، منبر و مجالس روضه نقشی تقریباً همانند رسانه‌های جمعی امروزه بر عهده داشتند و فراهم‌سازی عوامل تعیین‌کننده در رفتار جمعی بسیار مؤثر بودند.

ب. شرکت انبوه زنان ایرانی در مجالس روضه‌خوانی در تاریخ معاصر

هرچند زنان ایرانی در همه ادوار علاقه‌مند شرکت در مجالس و عظ و سخنرانی و پی‌گیری امور اجتماعی بوده‌اند، اما شرکت زنان در این گونه مجالس در قرون گذشته با مشکلات زیادی همراه بوده است؛ چنان‌که اسرار التوحید در مورد مجلس و عظ ابوسعید ابوالخیر می‌نویسد: «... در همان زمان، دختر استاد بوعلی نفاق، کدبانو فاطمه، که در حکم استاد امام ابوالقاسم قشیری بود، از استاد امام ابوالقاسم دستوری خواست تا به مجلس شیخ ما بوسعید برود. استاد امام در آن ایستادگی می‌نمود و اجازت نمی‌کرد. چون به کرات بگفت، استاد گفت: دستوری دادم، اما متکروار و پوشیده شو و ناونه — به زبان نیشابوریان، یعنی چادر شب کهنه — بر سر افکن تا کسی ظن نبرد که تو کیستی. کدبانو فاطمه چنان کرد و چادری کهنه بر سر گرفت و پوشیده به مجلس شیخ ما آمد و در میان زنان بر بام نشست.»^(۲) همچنین در مورد مجلس شیخ، نه اینکه مسجدی یا خانه‌ای باشد و نیمی مردان و نیمی زنان یا تمامی آن مجلس را زنان تشکیل دهند، بلکه معمولاً مجلس برای مردان برگزار می‌شد. اسرار التوحید می‌گوید: «زنان برای شنیدن سخنان ابوسعید در پشت بام‌ها ازدحام کرده بودند.»^(۳)

اما پدیده‌جالبی که از دوره قاجار با آن مواجهیم، عبارت است از: ارزشمند شدن شرکت زنان در مجالس روضه‌خوانی و به تبع آن، هجوم زنان به این مجالس و همچنین کثرت برگزاری این گونه مجالس در منازل؛ چنان‌که کسروی می‌گوید: «در محرم سال 1324 در تبریز علاوه بر مساجد و تکایا، از هر ده خانه، در يك خانه مراسم عزاداری برپا بود.»^(۴)

مستوفی شرکت زن‌ها در مجالس روضه‌خوانی را چنین توصیف می‌کند: «فعال‌ترین بُعد حضور اجتماعی زنان در دوره قاجار، شرکت در مراسم عزاداری ماه محرم، روضه‌خوانی و

نمایش‌های تعزیه بود. لازم به ذکر است که این مراسم در آن دوره مدت زمان بیشتری را دربرمی‌گرفت.^(۱) در دوره قاجار در تهران، در هر محله و بر سر هر گذری، تکیه‌ای وجود داشت که مردم در ماه‌های محرم و صفر [دست‌کم به مدت 60 روز] به برپایی مراسم روضه‌خوانی در آن می‌پرداختند. بهترین و مفصل‌ترین مجالس روضه‌خوانی ماه محرم در مسجد حاج شیخ عبدالحسین برگزار می‌گردید که گاه جمعیت شرکت‌کننده در آن، متجاوز از ده هزار زن و مرد می‌شد.^(۲) در بررسی منابع تاریخ معاصر، بارها به مسئله حضور فعال زنان در چنین مراسمی برخورد می‌کنیم؛ مثلاً، مهدی قلی‌خان هدایت چنین گزارش می‌دهد: «در تکیه دولت، اطراف سکو از زن‌ها پُر می‌شد؛ قریب شش هزار نفر. مردها به علت کثرت جمعیت زنان، بدان راه نمی‌یافتند.»^(۳)

همچنین طبق منابع موجود، این نکته مسلم است که شرکت انبوه زنان در مجالس روضه و مراسم عزاداری، تنها به تهران و تکیه دولت اختصاص نداشت،^(۴) همچنین اختصاص به محرم و صفر نیز نداشت، بلکه در شب‌های جمعه، وفیات و برای ادای نذر نیز این مراسم برگزار می‌شدند. کسب اجر اخروی، توبه از معاصی، افزایش اطلاعات دینی، مشاهده رجال سیاسی، روحانیان، مراجع بزرگ و شنیدن مواعظ آن‌ها در کنار بهره‌مندی از لذت حضور در جمع، مشارکت در طبخ غذا و تناول آن از انگیزه‌های کوچک و بزرگی بودند که به حضور زنان در این مراسم قوت می‌بخشیدند.^(۵) علاوه بر آن، از زمان قاجاریه، رفتن زن‌ها به مجالس روضه به صورت یک ارزش اجتماعی درآمد. مجالس روضه از جمله مکان‌هایی بود که زنان بی‌هیچ قید و شرطی، اجازه رفت و آمد بدانجا را داشتند.

حوادث منحصر به فرد در تاریخ زنان ایران

در نتیجه عوامل مزبور، درست در زمانی که به قول علی‌اصغر شمیم، «زن در خانه زندگی می‌کرد و تقریباً هیچ‌گونه ارتباطی با خارج از محیط خانواده نداشت»^(۶) و هنوز مدارس امروزی دختران دایر نشده بودند و زنان تقریباً به اتفاق از نعمت خواندن و نوشتن محروم بودند و حجاب نیز به شدت تمام مراعات می‌شد، حوادث تاریخی مهمی، اعم از مشارکت سیاسی و مبارزات سیاسی — که به تفصیل ذکر خواهند شد — از زنان ایران در تاریخ ثبت گردیده که مشابه آن در هیچ جای دنیا مشاهده نشده و تنها این زنان ایران بوده‌اند که در مواقع لزوم، دست به چنین کارهایی زده‌اند.

هم در دوره قاجاریه و هم در دوره کنونی، ما شاهد تحرکات سیاسی مشابهی از زنان

ایران هستیم که نمونه‌هایی از هر دو مورد ذکر می‌شوند:

الف. تحرکات سیاسی زنان در عصر قاجاریه

در دوران قاجار، بخصوص در عصر حکومت ناصرالدین شاه، تهران مکرر شاهد تظاهرات دسته جمعی زنان در سال های 1277 و 1302 ق^۱ بود و مهم تر از همه، قیام تنباکو در سال 1309 ق بود.^۲ عین ماجرا را از تاریخ دخانیه شیخ حسن کربلایی نقل می کنیم:

«به دنبال حکم ناصرالدین شاه به آیه الله میرزای آشتیانی در روز یکشنبه دوم جمادی الثانیه 1309، مبنی بر اینکه یا حکم تحریم آیه الله میرزای شیرازی را لغو کنید یا اینکه تهران را ترک نمایید، میرزای آشتیانی تصمیم گرفت که فردای آن روز (دوشنبه سوم جمادی الثانیه) تهران را به مقصد عتبات عالیات ترک نماید. این خبر در شهر پخش شد و صبح روز دوشنبه مردم دسته دسته رو به محله سنگلج ... روانه شدند. هنگام ظهر زنان نیز دسته دسته و فوج فوج جمع آمده، جمعیت زنان نیز انبوه شد. پس از این اجتماع، اول کار زنان این بود که روانه بازارها شدند. هر دکان را گشوده دیدند، خواهی نخواهی بستند، تا به جایی که در تمامی [بازار] شهر به این عظمت، يك باب دکان دیگر گشوده نماند. این جمعیت زنان با آن همه انبوهی و کثرت، پس از فراغت جستن از این کار، تماماً سرها را از روی چادرها لجن گرفته و ...»^۳

تیموری این صحنه را چنین وصف می کند: «جمعیت زنان با روبند سفید و چاقچور، که اغلب سر خود را لجن مالیده و شیون و ناله می کردند و "یا حسین، یا حسین" می گفتند بسیار دلخراش بود.»^۴

کربلایی در ادامه می نویسد: «همین قدر در شرح عظمت این هنگامه می توان گفت که این چنین شورش و غوغای عظیمی را پیش از آنکه به عیان آید، هیچ و همی نمی اندیشید. این جمعیت زنان، که در هنگامه جویی پیش آهنگ شورشیان بودند، نخست طرف خطابی را که در نظر خود معین داشتند، به اسم شاه باجی، شاه باجی سیلو، مخاطب ساخته، ... يك مرتبه صدای "یا علی" و "یا حسین" از تمامی این همه مخلوق بلند شده ... از این چنین هنگامه عظیمی که دفعاً در میدان ارك [سلطنتی] برپا گردید، تمامی اجزای دولت، خاصه [اهل] حرمسرای، سلطنتی را وحشت و دهشت عظیمی فرا گرفته، از صدر تا ساقه مضطرب و پریشان شدند ... در ضمن هر فصلی نیز فریادهایی بدین مقوله بلند بود که "ای خدا! می خواهند دین ما را از بین ببرند، علمای ما را بیرون کنند تا فردا عقد ما را فرنگیان ببندند، اموات ما را فرنگیان کفن و دفن کنند، بر جنازه ما فرنگیان نماز گزارند" ... بالجمله، جمعیت زنان پس از این هنگامه، از ارك مراجعت نموده، به مسجد شاه رفتند، مصادف افتاد که در آن هنگامه، آقای امام جمعه در بالای منبر مشغول وعظ [بر علیه نهضت تحریم میرزای شیرازی] و تهدید مردم بودند، به خیال اینکه شاید این گونه فتنه عظیم را به پاره ای تهدیدات بتوانند فروشانند. جمعیت زنان هجوم آورده، همین که از وضع صحبت آگاهی یافتند، يك دفعه آغاز فریاد و فغان کرده، آنجا نیز به تفصیلی که شرح دادنی نیست، قیامت کردند ... واعظ بیچاره را به افتضاح هر چه تمام تر از منبر به زیر آورده و از آنجا دوباره به

ارك مراجعت نمودند. جمعیت مردم به حدی شد که تمام کوچه و بازارها تا میدان ارك يك وصله پیوسته زن و مرد بود. راه عبور و مرور از کوچه و بازارها بالمره مسدود گردید. فریاد و افغان "و اشریعتاه" و "اسلاماه"، "یا علی"، "یا حسین"، از تمامی این همه مخلوق پیوسته بلند بود. تمامی شهر به این عظمت را چنان ضجه [و ناله] و غلغله و شور و شیون فراگرفته بود که به وصف نتوان درآمد.^(۱)

لازم به یادآوری است که این تحرك سیاسی منحصر به زنان پایتخت نبود، بلکه نمونه های مشابهی در اصفهان^(۲) و تبریز^(۳) و دیگر جاها نیز گزارش شده اند.

نکات مهمی که تقریباً در همه موارد اجتماع زنان مشترك بودند، عبارتند از:

1. رعایت حجاب کامل سنتی ایرانی به صورت چادر، روبند (پوشش تمامی اعضای بدن، حتی وجه و کفین)؛

2. استفاده از شعارهای اسلامی «یا علی» و «یا حسین»؛

3. فریاد «وا اسلاماه» سردادن (درد دین داشتن)؛

4. دفاع از علما و روحانیت.^(۴)

جالب اینجاست که روشن فکران عصر ما در توجیه این وقایع تاریخی، راه به خطا رفته و سعی کرده اند با الگوهای غربی، این وقایع را توجیه کنند و همه موارد شبیه این را به يك نحو توصیف کنند و برای همه امراض نسخه های مشابه بنویسند؛ مثلاً، خسرو معتضد و نیلوفر کسری در تحلیل حوادث مزبور، می گویند: «با پیشرفت زمان و روشن شدن اذهان مردم، مردان و زنان روشن فکر و آزاداندیش جامعه به اهمیت نقش زنان در پیشبرد فعالیت های اجتماعی و مسئولیت خطیر خود در تکوین جامعه روشنتر و زیننده تر پی بردند. با افزایش هوشیاری اجتماعی و آشنایی با علوم جدید و اصلاحات هرچند کوچک، که در این دوران صورت گرفت، ... افزایش رفت و آمدهای خارجی ها به ایران و آشنایی با شیوه زیستی بانوان ایشان ... بر اهمیت اثر زنان در ایجاد جامعه فعال تر اذعان نمودند.»^(۵)

جملات مزبور هرچند در خصوص محافل سرّی و اتحادیه غیبی نسوان^(۶) یا زنان درباری مثل تاج السلطنه^(۷) و یا در خصوص بانوان پس از کشف حجاب رضا خان می توانند تا حدی صادق باشند، اما وقایعی را که در آن زنان برای دین قیام کرده اند، همانند قضیه مذکور در «نهضت تنباکو» یا قیام زنان ایران در جریان انقلاب اسلامی تحت رهبری امام خمینی (رحمه الله) را، که با هدف دفاع از اسلام و علمای دین قیام کردند، نمی توانند توجیه کنند.

اشتباه عمدی یا سهوی دیگر روشن فکران این عصر آن است که در مورد حوادثی که زنان به انگیزه غیردینی به میدان می آیند، مثل حادثه «قحطی نان» در سال 1277 که زنان تظاهرات کردند و ناصرالدین شاه هنگام بازگشت از شکار با انبوهی چند هزار نفر از زنان

روبه رو شد،^(۱) این گونه حوادث را با آب و تاب شرح و تفصیل می دهند، اما وقتی نوبت به مواردی می رسد که تنها انگیزه قیام زنان درد دین بوده است، با شتاب هرچه تمام تر، فقط به ذکر گوشه هایی نارسا اکتفا می نمایند.

ب. فعالیت های سیاسی زنان در عصر حاضر

مشابه کنش های مزبور، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پس از آن از زنان ایرانی دیده شده است. حضرت امام (رحمه الله) در این خصوص می فرماید: «می شود گفت که این نهضت را بانوان به پیش برده اند.»^(۱) با وجود تبلیغات پنجاه ساله برای تغییر فرهنگ سنتی زنان ایران، دیده شده که زنان ایران با لباس های سنتی - اسلامی، رفتار اسلامی و حتی گفتار خاص مذهبی، در راهپیمایی ها شرکت می نمودند. برای مثال، خانم پی بر بلانشه، خبرنگار خارجی، که آن زمان در تهران حضور داشت، می گوید: «یک شب پس از ساعت منع عبور و مرور، با یک خانم چهل ساله [ایرانی] که کاملاً غربی شده و در لندن زندگی کرده بود و در شمال تهران خانه داشت، بیرون رفتیم. یک شب در ایام قبل از محرم بود و او به محل اقامت ما در یک محله پایین شهر آمده بود. از همه طرف صدای تیراندازی می آمد. ما او را به کوچه پس کوچه ها بردیم تا نظامی ها و مردم و فریادهای روی پشت بام ها را ببیند. این نخستین بار بود که پای پیاده به این محله می آمد و نخستین بار بود که با مردم فقیر کوچه و خیابان، که فریاد می زدند "الله اکبر"، صحبت می کرد. او از اینکه چادر بر سر نداشت، کاملاً پریشان و سراسیمه بود؛ نه به این دلیل که می ترسید اسید روی صورتش بپاشند، بلکه می خواست مثل زنان دیگر باشد. مسئله چادر آن قدرها هم مهم نبود، بلکه آنچه اهمیت داشت حرف هایی بود که مردم برایمان بازگو می کردند. آنان به شیوه ای مذهبی صحبت می کردند و همیشه در پایان می گفتند: "خدا حفظ تان کند" و بسیاری از عبارات های تا حدودی عرفانی.»^(۱)

این وضع پس از انقلاب نیز ادامه یافت. با نگاهی به راهپیمایی ها، حضور در انتخابات همگانی و حمایت از دفاع مقدس، به خوبی می توان به عمق واقعه پی برد. برای مثال، «استقبال خواهران ایثارگر از ستادهای پشتیبانی جنگ، واقعاً بی سابقه بود. خوب است همه رزمندگان بدانند که لباس خاکی آن ها، کیف و کول پشتی یا ملحفه و روبالش آن ها به دست چه کسانی دوخته و آماده می شد ... مادر شهیدی بود که در فاجعه هفتم تیر پسرش شهید شده بود، در حالی که هنوز تری چشم هایش از اشک پاک نشده بود، شبانه روز در ستاد برای جبهه و رزمندگان لباس می دوخت.»^(۱)

اما چون نویسندگان غربی از درک چنین سرمایه عظیمی عاجزند و تمامی پدیده ها را می خواهند با عینک اومانستی و عقلانیت مادی دیده و تفسیر نمایند، چه بسا اقدام به قضاوت های

بسیار نادرست می‌کنند. برای نمونه، کلبریری بر می‌گوید: «وقتی جنبشی را انقلابی می‌خوانند، برداشت مردم در غرب و از جمله خود ما، نوعی پیشرفت و ترقی [به معنای غربی] یعنی دگرگونی در راستای پیشرفت و ترقی است. همه این‌ها با پدیده مذهبی زیر سؤال می‌رود. در واقع، موج اعتراض‌های مذهبی برای مبارزه و مخالفت با شاه، به انگاره‌هایی استناد می‌کند که به سیزده سده پیش باز می‌گردند.»^(۱) وی می‌نویسد: «مذهب یعنی حجاب، یعنی کهنه‌گرایی و نوعی واپس‌گرایی، دست کم در مورد زنان.»^(۲) البته غربی‌ها حق دارند چنین جانب‌دارانه و غیر واقع‌بینانه به قضاوت بنشینند؛ زیرا آنان با پیش‌فرض‌های مادی خودشان، هرگز نمی‌توانند مردم ایران را درک نمایند.

ویژگی‌های زنان ایرانی در عصر حاضر و ویژگی رفتاری زنان ایرانی، که در نهضت‌های اصیل و اسلامی، همانند مردان در صحنه فعالیت‌های اجتماعی و حیات سیاسی حضور داشته‌اند، همان‌الگوهای رفتاری نشأت گرفته از زهراى مرضیه و زینب کبری(علیها السلام) می‌باشد که به‌طور خلاصه می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

1. پای‌بندی به اصل «ولایت فقیه» و حمایت از مقام معظم رهبری

همان‌گونه که حمایت زهراى مرضیه و زینب کبری(علیها السلام) از امام زمان خودشان ضرب‌المثل شده و تا پای جان بر این امر مقاومت ورزیدند، بانوان مسلمان مکتبی در طول تاریخ درخشان انقلاب اسلامی، به ویژه در تمامی لحظات دفاع مقدس هشت ساله، چه در دوران حیات امام راحل و چه پس از عروج آن عارف دل‌سوخته، ثابت کرده‌اند که همواره همگام و هم‌نوا با شوهران و فرزندان خود، پیرو راستین ولایت بوده و اطاعت از مقام معظم رهبری را بر خود واجب می‌دانند. آنان بر این باورند که هرگونه فکر و عمل، زمانی دارای ارزش و اعتبار است که حول محور پرافتخار ولایت فقیه و پیروی از مقام معظم رهبری هویت پیدا کند.

2. تربیت نسل آینده در سایه تفکر مذهبی تشیع

یکی از رسالت‌های بزرگ زنان مسلمانی که از زهراى مرضیه و زینب کبری(علیها السلام) الگو گرفته‌اند، این است که وظیفه اولیه زن تربیت فرزندان است، تا آن حد که در روایات، جهاد زن «خوب شوهرداری کردن» قلمداد شده است.^(۱)

3. حضور مستمر در صحنه انقلاب و مشارکت فعال سیاسی

همان گونه که پس از رحلت پیامبر، زهرای مرضیه (علیها السلام) به همراه حضرت علی و حسنین (علیهم السلام) شبانه به در خانه مهاجر و انصار می رفت و از آن ها برای بازپس گیری حق حضرت امیر (علیه السلام) یاری می جست^(۱) و تا زنده بود دست از مبارزه برنداشت، زنان ایرانی نیز در هر زمانی که احساس مسئولیت کنند، چه در قالب راهپیمایی ها و چه در زمان انتخابات عمومی، با حضور مستمر خود، در صحنه انقلاب مشارکت سیاسی فعال داشته و مشوق بزرگی برای همسران و فرزندان خود برای یاری انقلاب در عرصه های گوناگون بوده اند.

در تأیید مطالب مزبور، به گفتوگوی یک نویسنده ایرانی با رادیو فرانسه توجه کنید:

بانو گلی /امامی، نویسنده ایرانی، در مصاحبه با رادیو فرانسه گفت: «تحوّلاتی که طی 14 سال اخیر در ایران رخ داد، بوته آزمایشی بود که از طریق آن زن ایرانی به بازشناسی خود پرداخت.»

ایشان در ادامه سخنان خود، سیر تحوّل زندگی زنان ایرانی پس از انقلاب اسلامی را مثبت خواند و گفت: «زنان ایرانی، بخصوص زنان طبقه متوسط، که قبل از انقلاب در یک حالت غرب زندگی و بی هویتی به سر می بردند، بعد از انقلاب اسلامی دست خوش تغییر چشمگیری در ارتباط با تعریف و تثبیت هویت خود شدند. زن ایرانی توانست به توانایی های خود پی برده و با حفظ کارکرد سنتی وارد عرصه اجتماعی شود و همگام با مردان گام بردارد.»^(۲)

عوامل تعیین کننده رفتار جمعی در زنان ایرانی
نیل /اسلمسر جامعه شناس شش شرط را به عنوان عوامل اولیه و تعیین کننده رفتار جمعی ذکر کرده است:

1. زمینه ساختاری: به معنای این است که ساختار جامعه باید به گونه ای باشد که شکل خاصی از رفتار جمعی در آن به وقوع بپیوندد.
2. فشار ساختاری: هنگامی که فشاری بر جامعه تحمیل می شود، مردم اغلب برای یافتن راه حلی پذیرفتنی به همکاری با یکدیگر ترغیب می شوند.
3. باور تعمیم یافته: قبل از اینکه راه حلی دسته جمعی برای یک مسئله یافت شود، باید همه بپذیرند که چنین مسئله ای وجود دارد. بنابراین، مسئله باید شناخته شود، افکار را متوجه کند و راه حل های ممکن ارائه شود.
4. عوامل شتاب دهنده برای ظهور رفتار جمعی: باید نخست رویداد مهمی افراد را به واکنش جمعی وادارد.
5. بسیج برای اقدام: هنگامی که رویداد شتاب دهنده رخ داد، گروه برای اقدام بسیج می شود.
6. عملیات کنترل اجتماعی: موفقیت یا عدم موفقیت تلاش های جمعی افراد عمدتاً به موفقیت

یا شکست مکانیزم های کنترل اجتماعی در جامعه بستگی دارد.^(۱)

از این شش عامل، چهار عامل (زمینه ساختاری، باور تعمیم یافته، بسیج برای اقدام و عملیات کنترل اجتماعی) معمولاً در تاریخ معاصر در مجالس روضه شکل می گرفته اند. با توجه به مقاومت فرهنگی جامعه ایران در قبال بیگانه و همچنین دینی بودن ساختار جامعه، زمینه پذیرش مطالب مطرح شده از منابر در بین زنان بسیار بالاست؛ چرا که اعتقاد بر این است که آنان سخنان ائمه اطهار (علیهم السلام) را بازگو می نمایند. بنابراین، عقاید و باورهای مشترک از اولین چیزهایی بوده اند که در نتیجه حضور در مجالس روضه شکل می گرفته اند. از سوی دیگر، چون مجالس روضه محل گردهمایی زنان بوده، زمینه بسیج نیروها از آنجا بیشتر فراهم است (هر چند شروع عملی بسیج به عوامل دیگری مثل عوامل شتاب دهنده نیاز دارد).

کنترل اجتماعی در میان جامعه زنان در تاریخ معاصر ایران نیز عمدتاً کنترل اجتماعی درونی^(۲) و غیر رسمی بوده است؛ زیرا حکومت جرئت حمله نظامی به زنان را نداشته است، به گونه ای که در برخی از شورش های زنانه (مثل شورش نان 1277 ق) شوهرانشان به جای آن ها مورد مؤاخذه قرار گرفتند.^(۳) اما این کنترل اجتماعی درونی نیز شورش هایی را بر اساس همان آموزه ها و الگوهای دینی تقویت می کرد.

اما دو عامل دیگر عمدتاً از سوی حکومت های وقت ایجاد می شدند؛ یعنی فشارهای ساختاری بر اثر ظلم، ستم، اسراف در بیت المال، واگذاری انواع امتیازات به بیگانه، و دشمنی با علما و دین.

عامل شتاب دهنده یا آخرین جرقه لازم برای انفجار نیز همان حوادث به وقوع پیوسته، مثل خبر تبعید میرزای آشتیانی (بزرگ ترین مجتهد پایتخت) در ماجرای تحریم تنباکو، یا تبعید امام خمینی (رحمه الله) در قیام 15 خرداد 1342، اهانت به علما و دین، و تلاش دولت در هدم اسلام در قیام 1357 می باشد.

نتیجه گیری

وضع زنان در دنیا، بخصوص جوامع غربی، همواره با افراط و تفریط های بی شماری همراه بوده است. امروزه نیز در جهت همان افراط ها و تفریط ها، زنان دنیا را به دو دسته تقسیم کرده اند:

1. زنان سنتی که در خانه محبوس بوده و از امور اجتماعی بی خبر، بلکه بیگانه بوده اند و از مشارکت سیاسی پرهیز دارند.
2. زنانی که متجدد و امروزی بوده و همدوش مردان وارد بازار کار و اجتماع شده اند و

در امور اجتماعی دخالت می کنند.

بر اساس این طرز تفکر، زنان نیز در جوامع یا راه افراط می پیمایند یا راه تفریط؛ یا کاملاً از اجتماع فاصله می گیرند و اصلاً کاری به سرنوشت اجتماع و کشور خود ندارند یا آن قدر به قول خودشان اجتماعی – سیاسی می شوند که می خواهند همدوش و همراه مردان در همه عرصه ها حضور داشته باشند، هرچند این همدوشی با فطرت خودشان و آموزه های دینی شان منافات داشته باشد، و حتی بعضی ها برای اینکه از قافله عقب نمانند، کاسه داغ تر از آش شده، از مردم غرب نیز غربی تر شده اند.

نتیجه ای که این نوشتار به آن دست یافت این است که بر اساس آموزه های شیعی، بسیاری از زنان ایران زمین در عصر حاضر، نه این هستند، نه آن. آنان زینب و زهرا (علیها السلام) را الگوی اعمال و کنش های خود قرار داده اند؛ رفتار، افعال و کنش های آن ها را سرمشق خود قرار داده و با توجه به نقش هایی که آن بزرگواران در موقعیت های گوناگون ایفا می نمودند، اینان نیز سعی دارند مثل آن ها باشند؛ چنان که یکی از مسئولان بسیج خواهران طی مصاحبه ای می گوید: «به خاطر داریم که در روضه های حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) وقتی از حضرت زینب (علیها السلام) صحبت می شد، خواهران ما می گفتند که ای کاش ما هم آن موقع بودیم، شاید می توانستیم کاری انجام دهیم. و آنان عملاً نشان دادند که می توانند نقش مهمی در انقلاب داشته باشند. خواهری که فرزند خود را به جبهه فرستاده بود، هنگامی که با او صحبت می شد، عنوان می کرد که می خواهم ببینم حضرت زینب (علیها السلام) چه رنج هایی را متحمل شده است. و چنین کسانی رهروان واقعی حضرت زینب (علیها السلام) هستند.»^(۱)

اینجاست که پی می بریم مجالس روضه و مناظر عیناً همان نقش سنتی را در عصر حاضر در انقلاب اسلامی ایران نیز ایفا کرده اند و این نیست، مگر تأثیر مکتب حسینی بر مردم ایران، بخصوص زنان. در انقلاب اسلامی ایران، دوباره حماسه نهضت تنباکو تکرار شد و همه دیدیم که چگونه زنانی که جز به وقت ضرورت، آن هم با حفظ حجاب کامل از منزل خارج نمی شدند، به خیابان ها آمدند و با رشادت های خود، انقلاب را به ثمر رساندند و هرگاه که انقلاب نیاز به کمک آنان داشت، حمایت های بی دریغ خود را نثار نمودند.

امروزه نیز ترویج و تشویق مجالس روضه و وعظ و برگزاری آن ها در منازل، می تواند یکی از راه های بسیار مهم در مقابله با تهاجم فرهنگی باشد.